

جیم والش^۱

افزایش همکاری در افغانستان در زمینه های گوناگون، ثبات و امنیت در این کشور را تقویت می نماید. دستیابی به همکاری موثر جهت مقابله با شکست، شمار بسیاری از اقدامات گوناگون را می طلبد. در خصوص این ضرورتها در این مقاله توصیه می شود: اول، بنیان نهادن یک مکانیزم ساختاری برای همکاری، تنظیم برنامه های مشترک و یافتن راه حل برای منازعات، به منظور ایجاد مکانیزم؛ تشکیل گروه تماس بین المللی توافقی کلی در سطح بین المللی است. از طرفی بعضی معتقدند در حالی که دیگر نهادها نظیر G8 وجود دارند ایجاد یک نهاد بین المللی جدید ضرورتی ندارد. دوم، ایران و ناتو با یکدیگر همکاری نمایند تا پروژه افغانستان را از دیگر مباحثی که آنان را از یکدیگر دور می نماید مصون دارند. این مقاله به طور مشروح جوانب مختلف این دو امکان را مطالعه می کند.

واژگان کلیدی: ناتو، ایران، افغانستان، ثبات، امنیت

این مقاله^۲ ضرورت همکاری ایران و ناتو در افغانستان را مورد بررسی قرار می دهد؛ از جمله چشم اندازها و چالشهای حضور ناتو در افغانستان، فضای امنیتی ایران و ناتو و آینده افغانستان مطالعه می شود. تاریخی غنی از همکاری ایران و غرب در افغانستان مشاهده می گردد که به ویژه در جریان عملیات جهت سرنگونی رژیم طالبان و بنیاد دولت پرزیدنت کرزای این امر نمایان شده است. تحولات اخیر کمتر گویای این همکاری است. مقاله حاضر شامل شرح مختصری است از برنامه ناتو در افغانستان که منافع بازیگران اصلی در افغانستان را ذکر نموده و عواملی را که ممکن است در سطح همکاری برای آینده

۱. جیم والش محقق برنامه مطالعات سیاسی MIT

۲. خلاصه این مقاله در پانزدهمین سمینار سالانه آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شده و متن کامل آن برای فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ارسال و توسط آقای قاسم ملکی به فارسی ترجمه گردیده است.

اعباسان موثر باشند مورد مطالعه قرار داده است. مشارکت ناتو در افغانستان در اوت ۲۰۰۳ آغاز شد. این دخالت در پاسخ به تقاضای دولت افغانستان و در حمایت از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت پذیرفت. ناتو بخشی از «نیروی بین المللی یاری دهنده به امنیت افغانستان» (ایساف)^۱ است که در سال ۲۰۰۲ شکل گرفت. امسال، ایساف در نظر دارد تا ۳۵۰۰۰ نفر پرسنل را از ۴۰ کشور تحت رهبری ناتو در افغانستان به کار گیرد. حضور ناتو در ایساف می بایست از دیگر عملیات مهم خارج از افغانستان مجزا گردد: «عملیات پایای آزادی»^۲ با ۱۱۰۰۰ نفر نیروی نظامی که اکثریت آنها امریکایی هستند.

نقش ناتو در اولین ماموریت خارج از حوزه رسمی بدون مشکل نبود به ویژه مباحث هماهنگی و تمایل هر پایتخت اروپایی برای تعیین موانع آنها در مورد استفاده از زور با اهمیت خاصی مواجه شده بود.^(۱) به علاوه، نقش ناتو از صلحجویی و بازسازی به امنیتی و بازسازی تغییر و ارتقا یافت. ضمناً عملیات مبارزه علیه طالبان و نیروهای القاعده به آن اضافه شد. این انتقال نقش وقتی که (۱) نیروهای طالبان حملات خود را افزایش داده اند و (۲) امریکا شمار سربازان خود را تا ۴۰۰۰ نفر تقلیل داده؛ به وقوع پیوسته است.

منافع و اهداف ملی

حداقل سه جنبه در رسیدن به موفقیت در افغانستان باید لحاظ شود که شامل افغانستانی امن، باثبات و موفق باشد. مهمترین شرایط و عوامل در درجه اول خود کشور افغانستان است. مردم افغان هستند که در واقع بازنده یا برنده نهایی خواهند بود. مردم عادی افغان نسبت به خسارات، بحرانیها و سیاستهای غلط صبور و شکیباهستند. حضور مردان و زنان شجاع در مناصب رهبری در افغانستان جدید دارای اهمیت فراوان است. این رهبران محلی و ملی و خانواده هایشان با خطرات بزرگ شخصی مواجه اند. افغانستان به عنوان یک کشور؛ دارای منافع گوناگونی است. مهمترین آنها شامل امنیت مردم افغانستان و ثبات سیاسی است. به علاوه، حکومت افغانستان در بنیاد و حفظ حاکمیت،

1. International Security Assistance Force (ISAF)
2. Operation Enduring Freedom (OEF)

توسعه اقتصادی و یک روند سیاسی که از جنگ سالاری و اقتدارگرایی طالبان پرهیز نماید؛ دارای منافع ملی است.

ایران نیز عاملی مهم در آینده افغانستان محسوب شود. محمد رضا بهرامی سفیر ایران در افغانستان اظهار کرده که هدف ایران در افغانستان بر پایه های «امنیت، ثبات و ایجاد یک حکومت مرکزی قوی» متمرکز است که نه تنها برای مردم افغانستان مثمر و مفید هست بلکه در جهت منافع ایران نیز فعال است.^(۲) از دیدگاه کاملاً ژئواستراتژیک، وجود یک همسایه باثبات و دوست در مرزهای شرقی ایران مرجح است. این قاعده عمومی روابط بین الملل به ویژه در روابط ایران و افغانستان به سه دلیل منعکس و ملموس می باشد:

اول، روابط ایران و طالبان بسیار محدود بوده و طالبان در حال مبارزه با دولت کرزای هست؛ دوم، متحدان طالبان از جمله القاعده، شبکه ای تروریستی اند که جامعه شیعه از جمله مقابر مذهبی و رهبران دینی را مورد حمله قرار می دهند؛ سوم، ایران همسایگان بسیار دارد و بدیهی است هر چه تهدید کمتر، بهتر. براین اساس، فرصت مناسب برای رهبران ایران جهت تمرکز بر حوادث عراق فراهم می گردد. با وجود شمار بسیاری از نیروهای نظامی آمریکا در عراق، برنامه ریزان ایران علاقمندند که حوادث عراق را از نزدیک نظاره گر باشند. اگر چرخشی دراماتیک و ناگهانی به بار آید و اوضاع را وخیم تر گرداند یا دیگر دولتهای منطقه نقش فعالتری را در عراق بر عهده بگیرند در جهت مصالح و منافع ایران نیست که منابع و توجه خود را در شرق و غرب تقسیم نماید.

همچنین باید گفته شود که بیشتر برنامه ریزان نظامی ایران احتمالاً حضور سربازان خارجی (به ویژه سربازان امریکایی) در افغانستان را به عنوان تهدید امنیتی بالقوه برای ایران تلقی می کنند. هیچ کشوری علاقمند نیست که شاهد نقل و انتقالات نظامی فعال در حوالی و نزدیک مرزهایش باشد و بنا به گواهی تاریخ دخالت غرب در ایران و روابط سیاسی دولت فعلی موجب شده که بسیاری از ایرانیان با سوءظن به حضور نیروهای خارجی در آن سوی مرزهایش بنگرد. طرفه این جاست که شکست یا موفقیت ناتو قویاً به همکاری کشورهای منطقه بستگی دارد.^(۳)

خلاصه آنکه، ایران منافع امنیتی بسیار در افغانستانی باثبات و امن دارد. موضوع باثبات و امن بودن افغانستان جنبه های مثبت دیگری برای ایران نیز دارد. برای مثال،

ایران پیوندی اجتماعی و فرهنگی مشترک با جوامع مستقر در غرب افغانستان داراست. افغانستان نیز نقطه کانونی جهت تجارت مواد مخدر به شمار می رود. ده ها پلیس و نیروی نظامی ایران در مبارزه علیه تجارت مواد مخدر کشته شده اند و ایجاد امنیت و ثبات کامل در کوتاه مدت در افغانستان بعید می نماید. شاید بتوان سومین عامل در موفقیت ناتو افغانستان را شیوه حضور و فعالیت آن سازمان در این کشور دانست.^(۴) در واقع، دبیرکل ناتو «جاپ د هوپ شفر»^۱ اعلام نموده که ماموریت افغانستان «برای ناتو از اولویت نخست برخوردار است.»^(۵) ناتو دلایل گوناگون دارد تا خواستار افغانستانی آرام و موفق باشد. بدیهی است موفقیت بهتر از شکست است. ناتو در اجرای موفق و کامل این پروژه ذینفع بوده و حداقل از شکستی حاد پرهیز می نماید. شکست در افغانستان بویژه به شکلی که ناتو را ضعیف بنمایاند اعتبار ناتو به عنوان نیروی نظامی را زیر سوال می برد. این امر نتایج روانی و راستین نیز به دنبال خواهد داشت.

ناتو در افغانستان در دوره ای حضور یافت که موضوع مشروعیت خود ناتو مورد بحث و مجادله بود. اگر ناتو جهت مبارزه با تهدید شوروی شکل گرفت چرا ما اکنون هنوز به ناتو نیازمندیم. حوادث یوگسلاوی یک امکان و احتمال را خاطرنشان می سازند اما افغانستان برای ناتو از آن جهت اهمیت دارد که یک ماموریت بی سابقه خارج از حوزه تعریف شده و بیرون از نظارت سازمان ملل متحد محسوب می گردد. اروپا تدارک عمده دخالت ناتو را به عهده دارد و منافعش در موفقیت ناتو در افغانستان است. یک جنبه آن وجه امنیتی می باشد. پیوند طالبان و القاعده در افغانستان تهدیدی تروریستی علیه اروپا تلقی می گردد و اروپا در مرکز توجه خشونت افراطیون است؛ منافع امنیتی اروپا ایجاب می نماید که طوری عمل نماید تا افراطیون تروریست ضداورپایی قاره اروپا را مأمنی مناسب برای اقدامات خشونت آمیز خود به حساب نیاورند.

همچنین، افغانستان از آن جهت برای اروپا اهمیت دارد که بر ابعاد سیاسی داخلی افغانستان و جنبه های بشردوستانه تاکید می کند. شماری عقیده دارند که بازسازی افغانستان یک نیاز بشردوستانه است. مردم افغانستان طی جنگ علیه شوروی، دوران

1. Jaap de Hoop Scheffer

طالبان، جنگ برای سرنگونی طالبان و شورش فعلی علیه حکومت کرزای؛ صدمات بسیار دیده اند. برخی رهبران اروپا به رغم تلفات انسانی و هزینه های اقتصادی، نیروی نظامی به افغانستان اعزام کرده اند. رای دهندگان اروپایی از پروژه دخالت در افغانستان کمتر هواداری می کنند و عدم موفقیت و بی ثباتی سیاسی مشارکت اروپاییان را تحلیل برده و تضعیف کرده است.

عوامل موثر بر روابط ناتو - ایران

ایران و ناتو منافع متنوع در افغانستان دارند و به دلایل بسیار منافع دو طرف برقراری امنیت در افغانستان است. ناتو و ایران فعالانه در افغانستان درگیر هستند. توانایی ایران و ناتو جهت همکاری برای حمایت از اهداف مشترک نه تنها بر منافع دو طرف بلکه بر دیگر عوامل نیز موثر است. بعضی از این عوامل عبارتند از: روابط سیاسی کشورهای عضو ناتو و ایران؛ روابط سیاسی امریکا و ایران؛ سیاست داخلی دولتهای عضو ناتو و سیاستهای بین اعضا؛ سیاست خارجی و امنیتی ایران در قبال افغانستان؛ تحولات افغانستان و پاکستان.

۱. روابط سیاسی کشورهای عضو ناتو و ایران

ناتو همانند بیشتر سازمانهای چند جانبه در پی کسب اجماع و توافق عامه است. در نتیجه، روابط سرد کشورهای عضو ناتو و ایران این امکان را فراهم می آورد تا یک کشور عضو تمامی تلاشهای ناتو در جهت همکاری با ایران در مورد برنامه های مشارکت در افغانستان را مانع شده و مسدود نماید. البته، کیفیت روابط دوجانبه می تواند راههای دیگر را نیز قطع کند. روابط دو جانبه ضعیف مانع همکاری است ولی روابط اقتصادی و سیاسی می تواند امکان همکاری را افزایش دهد. تعامل ایران و اروپا در مورد مسایل گوناگون (تجارت و سرمایه گذاری - مبحث هسته ای - حقوق بشر - عراق) جاری و همه این مسال بر روابط دو جانبه اثر گذارند.

۲. روابط سیاسی ایران و امریکا

به لحاظ اینکه امریکا قدرتمندترین عضو ناتو است مشکل بتوان تصور کرد که روابط

مأموریت ناتو در افغانستان بیشتر یک پروژه اروپایی محسوب می شود و در واقع امریکا مشکل افغانستان را به ناتو واگذار نموده است. به علاوه، وکالت سازمان ملل نوع متفاوتی از چارچوب و الگو را برای نیروهای ناتو ارائه کرده است که با چگونگی حضور و عملیات سربازان امریکایی در افغانستان تفاوت دارد. در غیر این صورت، بی شک امریکا نفوذ دارد و بنابراین روابط امریکا و ایران نقشی را در روابط ایران و ناتو ایفا می کند. مهمتر این واقعیت است که اعضای ناتو به لحاظ حقوقی و قانونی مقید به حمایت از هر یک از اعضا هستند چنانچه یک عضو از اعضای هم پیمان مورد حمله قرار گیرد. برای مثال، اگر امریکا یا هر عضو دیگر با ایران درگیر شود؛ ناتو ملزم به کمک به عضو هم پیمان است. براساس وضع جاری روابط کشورهای آتلانتیک، هماهنگی و همکاری سیاسی دشواری را برای ناتو رقم زده است و به همین دلیل است که اعضای ناتو به طور پیوسته با یکدیگر در تماس هستند. در حالت دیگر، بهبود روابط ایران و امریکا زمینه را برای همکاری ایران و ناتو در سطح گسترده فراهم می نماید.

۳. سیاست داخلی دولتهای عضو ناتو و سیاستهای بین اعضا

دیدگاه عمومی در کشورهای عضو ناتو و ایران نیز مطرح می باشد. در بیشتر مواقع سیاستها جنبه تحمیلی دارد و کمتر انتخاب و تعیین سیاست وجود دارد و این امر عاملی مهم به شمار می آید. افکار عمومی مردم انگلستان در پی بازداشت ناویهای نیروی دریایی انگلستان و تنش با ایران یا افکار عمومی ایرانیان در پی سخنرانی «محور شرارت» دو موردی هستند که افکار عمومی را شکل می دهند و در نحوه اتخاذ سیاست تاثیر می گذارند.

۴. سیاست خارجی و امنیتی ایران در قبال افغانستان

سیاست ایران در قبال افغانستان عامل دیگری است که بر روابط ایران - ناتو اثر می گذارد.^(۶) ایران منافی در افغانستان دارد که صرفاً به افغانستان مربوط می شود. برای مثال، اگر امریکا تاسیسات هسته ای ایران را مورد حمله قرار دهد بعید نیست که ایران

علیه نیروهای امریکا در افغانستان وارد عمل شود. حتی قابل تصور است که معترض مداخله ناتو در افغانستان شود و احساس کند در آن کشور حقوقی دارد که ناگزیر است قبل از دیگران وارد عمل شود.^(۷) نکته کلیدی که از این سناریوی احتمالی می توان دریافت این است که افغانستان به خودی خود یک نگرانی محسوب نمی گردد. برای برنامه ریزان و سیاست گذاران ایران افغانستان منبعی استراتژیک است که برای اهداف سیاسی به کار گرفته می شود.

۵. تحولات افغانستان و پاکستان

سرانجام، تحولات منطقه طبعاً در روابط ناتو - ایران تاثیر می گذارد. اگر حکومت کرزای شکست بخورد؛ وضعیت نظامی بفرنج تر و وخیم تر گشته و بحران رهبری در پاکستان تشدید می شود. حتی یک بلای طبیعی (چون زلزله) آنقدر اهمیت پیدا می کند که ممکن است همکاری بیشتر ناتو و ایران را به دنبال داشته باشد یا برعکس باعث گردد ایران و ناتو بیشتر از یکدیگر فاصله بگیرند.

مشکل بتوان آینده ماموریت ناتو در افغانستان را پیش بینی کرد. بهترین امکان و چشم انداز در افغانستان، آن است که ناتو و ایران در جهت افغانستان امن و باثبات تلاش کنند. در این صورت الف. به ناتو فرصت داده می شود تا ماموریت خود را با موفقیت به انجام رساند و افغانستان را ترک کند؛ ب. ایران را قادر سازد تا منابع و توجه خود را برای حل دیگر مشکلات متمرکز نماید؛ ج. افغانستان در مسیری همراه با سازندگی و برقراری کامل حاکمیت قرار گیرد. نبود تغییر در استراتژی طالبان حاکی از آن است که بهترین چشم انداز در افغانستان صورت نمی پذیرد. اگر تغییر در استراتژی طالبان طی ۵ تا ۱۰ سال عملی شود آثار مثبت و مساعد دیگر نیز به همراه خواهد آورد. همکاری ناتو و ایران در افغانستان روابط و تماسهای اعتمادآمیز را فراهم خواهد آورد و باعث می شود روابط ایران و اروپا در دیگر حوزه ها گسترده تر و بیشتر شود. به نوبه خود همکاری ایران و ناتو بر گرایش مثبت در جهت برقراری روابط بین ایران و امریکا اثر می گذارد. چنین همکاری مانعی در مقابل سردی بیشتر روابط امریکا قلمداد می شود. از طرف دیگر و در نهایت، روابط ناتو - ایران ممکن است سیر نزولی را طی کند. قبلاً فرماندهان ناتو رسماً از

کرده بودند (اتهامی که حکومت ایران قویاً آن را تکذیب نمود). این نمونه به یکی از چندین مبحث ممکن که می تواند وضع را متشنج نماید، اشاره دارد. یک چنین امری می تواند منجر به وخیم تر شدن روابط ناتو و ایران گردد. سرد بودن روابط ایران و ناتو، حکومت کرزای را در شرایط سختی قرار داده به طوری که نمی تواند بدون حمایت ناتو و ایران به حیات خود ادامه دهد. در واقع، اگر ناتو و ایران مواضع دشمنانه نسبت به یکدیگر اختیار نمایند، مشکل بتوان تصور نمود که افغانستان موفق گردد.

به احتمال زیاد برونداد بیشتر از آنچه قبلاً داشتیم؛ خواهد بود. همکاری ملاحظه کارانه و اجباری که گاهی در عین عدم موافقت و نارضایتی اعمال می گردد؛ همچنان در همان شرایط سوءظن و عدم اطمینان نیز تداوم دارد. ممکن است حفظ وضع موجود کافی باشد اما احتمالاً ثمرات مثبت و موفقیت فوری به دنبال نخواهد داشت به طوری که پروژه افغانستان به مخاطره می افتد و در گرو منازعات و مجادلات غیرقابل پیش بینی در مورد مسایلی قرار می گیرد که به افغانستان ارتباط ندارد. در واقع، به هیچ وجه روشن نیست که موفقیت در افغانستان تضمین شده است. اگر ناتو و ایران اختلافات خود را به حال خود واگذارند و طرح ننمایند هر چیز مسیر خود را طی می کند. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که طالبان دوباره کنترل سراسر کشور را به دست خواهد گرفت اما شکست ناتو، الزاماً موفقیت فوری طالبان را نیز به همراه نخواهد داشت. چالش طالبان با مشکلاتی که در کنار ملت سازی وجود دارد ترکیب شده و ممکن است زمینه های شکست را حتی چنان که طالبان نتوانند تمام کشور را تصرف کنند فراهم آورد.

چنین شکستی، انفجاری برای ناتو خواهد بود؛ اما از دیگر سوی این شکست اثر منفی و مستقیمی بر امنیت و رفاه ایران به جای می گذارد. ناتو همیشه می تواند به خانه برگردد و همه چیز را پشت سر بگذارد. ایران نمی تواند افغانستان را ترک کند. سرنگونی حکومت در افغانستان ایران را در موقعیت محصور و محدود قرار می دهد: بحران و پتانسیل هرج و مرج همزمان در دو طرف مرزهایش آن هم هنگامی که تهران از جهات دیگر با مشکل مواجه است، تهران را تحت فشار قرار خواهد داد. بعضی ایرانیان ممکن

است فکر کنند که این برونداد مرجح به حضور ناتو می باشد اما باید متوجه بود که دیگران چه در سر دارند. بله، خروج ناتو دست ایران را در افغانستان بازتر خواهد کرد اما هر حرکت ناگهانی چالشی بسیار سنگین را که عواقب آن قابل پیش بینی نیست، تحمیل می کند.

نتیجه گیری و توصیه هایی جهت ارتقای همکاری

دستیابی به همکاری موثر و پرهیز از شکست متضمن شماری از اقدامات گوناگون است که دو مورد از آنها در اینجا ذکر می گردد:

۱. اولین مکانیزم بین المللی برای همکاری، برنامه های مشترک و حل اختلافات است. در این حالت، رییس جمهور سابق فرانسه آقای ژاک شیراک پیشنهاد ایجاد یک گروه تماس بین المللی در مورد افغانستان را ارائه کرد که مورد استقبال قرار نگرفت. بعضی معتقد بودند که تاسیس یک نهاد جدید بین المللی وقتی که دیگر مکانیزمهای بین المللی نظیر G8 موجودیت دارد لزومی ندارد. آنان اضافه می کنند نهادهای بین المللی موجود که بر تحولات بین رهبران نظامی و مسئولان سیاسی اشراف دارند کارا و موثر می باشند. دیگر جنبه ها چندان دلگرم کننده نیستند. گروه G8 ایران و پاکستان را که دو بازیگر اصلی هستند، شامل نمی گردد. در حالیکه مبادلات و روابط روزانه، عملی و غیررسمی ناتو و مسئولان ایرانی اهمیت دارند آنها برای ترتیبات رسمی بیشتر جانشینی محسوب نمی گردند و احتمالاً بیشتر تاکتیکی و با اهداف محدود هستند. نهادینه کردن ارتباطات و همکاریها بین ایران، ناتو و افغانستان و شاید دیگران راهی برای ارتقای امور، بازسازی موثر و مهمتر از آن پرهیز از عدم تجانسها و کاهش مشکلات قلمداد می گردد.

۲. ناتو و ایران می باید جهت اجرای پروژه افغانستان با یکدیگر همکاری کنند. اگر ناتو و ایران بتوانند افغانستان را به حوزه ای از همکاری نه گروگانی برای پیشبرد منافع و اهداف خود نظیر مسایل هسته ای تبدیل کنند؛ تمامی طرفهای ذی نفع فرصت بهتری برای دستیابی به اهداف خود خواهند داشت. چنانچه پروژه افغانستان به دیگر مباحث مربوط به روابط ایران - ناتو - امریکا گره بخورد و مبدل به گروگانی برای دیگر امور

خواهد بود. اما ایران مطمئناً بیشتر از ناتو و امریکا خواهد باخت چرا که ناتو و امریکا هزارها مایل از وجوه و آثار یک افغانستان شکست خورده دور می باشند. بدون ارتقای همکاری احتمال بروز این نتیجه ناخوشایند قویاً وجود دارد.

پی نوشت ها

1. Paul Gallis, "NATO in Afghanistan: A Test of the Transatlantic Alliance," CRS Report to Congress, July 16, 2007.

2. "Iran Is Seeking More Influences in Afghanistan", *New York Times*, December 27, 2006.

۳. البته دیگر احتمالات نیز امکان بروز دارند. بعضی ایرانیان برآنند که بهترین برای ایران اجبار ناتو به خروج از افغانستان است به نوعی که این سازمان با صدمات و تلفات بسیار ناگزیر از خروج گردد. چنانچه به ناتو تلفات عظیم وارد شود ناتو می بایست عقب نشینی نماید چرا که حمایت سیاسی در اروپا را به لحاظ ماموریت فرسایشی در افغانستان از دست می دهد. این ممکن است ولی ریسک بسیار در بر دارد. آن استراتژی که احتمالاً این خطر را کم یا به حد متوسط می رساند با در نظر گرفتن مفهوم سیاسی فعلی آتش افروزی خواهد بود. حداقل به افغانستان صدمه وارد کرده و احتمال موفقیت را کاهش می دهد.

۴. دیگر کشورها نیز جای پای در آینده افغانستان دارند، پاکستان بزرگترین جای پای را داراست. نقش دیگر کشورها از جمله همسایه های بلافصل و بازیگران منطقه ای چون روسیه بسیار قابل اهمیت است.

5. <http://www.nato.int/docu/update/2004/01-tanary/e0114a.htm>.

۶. خلاف این امر نیز صادق است. هر کنش ناتو بر ایران تاثیر دارد اما ناتو منافع کمتری نسبت به ایران در افغانستان دارا می باشد و ماموریت ناتو در مواردی از طرف سازمان ملل محدود شده است که دست ایران در آن موارد باز است.

۷. امیدوارانه، این یک سناریوی خیالی است و از نظر این نویسنده غیرمحمتمل می باشد اما غیرممکن هم نیست.